



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۹/۰۳/۲۱



م - ع - عزیزى

در وصف بهار،

و به استقبال از غزل ابوالمعانی بیدل

پیک شادی را بخود در این زمان دارد بهار
بهر انسانها و یا هر زنده جان دارد بهار

تا دمد روح حیات بر مرده جسم زمین
چون مسیحا معجزه ، از آسمان دارد بهار

زنده میگردد گل ویا هر گیاهی در چمن
آب حیوانی برای مرده گان دارد بهار

نرگس و شب بو و زنبق ، لاله و سنبل همه
بهر هر گل غنچه ای ، یک باغبان دارد بهار

هر کجا در کهسار و تپه و دشت و دمن
بس هزاران گلشن ویا گلستان دارد بهار

این زمین با گل مزین گشته بینی هر طرف
بسکه دشت لاله ویا ارغوان دارد بهار

آن نسیم صبحگاه و شبنم پاکیزه اش
همچو مشک اندر مشام انس و جان دارد بهار

باغ را چو نوعروسان زیب و زینت میکند
نقش آرایشگری بر دلبران دارد بهار

هر طرف آید بگوش آهنگ زیبای طیور
مطربان نغمه خوان چون بلبلان دارد بهار

ز آسمان باران رحمت بیشتر بارد کنون
زان سب بر هر طرف جوی روان دارد بهار

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

ای که از هر درد رنجوری، به صحرا کن گذر
چون طبیب با خود دواى جسم و جان دارد بهار

تا بکی در خواب سنگینی هله بشتاب زود
چون پیام حرکتی از کاروان دارد بهار

آدمیزاد، بی نشاط و حرکت و شادی مباد
هر دل افسرده را بس شادمان دارد بهار

شکرمی باید نمود بر خالق فصل ربیع
سر بسر فضل و کرم از ذوالمنان دارد بهار

ای « عزیزى «مقدم فصل بهار فرخنده باد
خیر و برکت را بعالم رایگان دارد بهار

پایان

م - ع - عزیزى
29 حوت سال 1397 هجرى شمسی

غزل ابوالمعانی بیدل در وصف بهار

چشم واکن رنگ اسرار دگر دارد بهار
آنچه در و همت نگنجد جلوه گر دارد بهار

ساعتی چون بوی گل از قید پیراهن برآ
از تو چشم آشنایی آنقدر دارد بهار

کهکشان هم پایمال موج توفان گل است
سبزه را از خواب غفلت چند بردارد بهار

از صلاى رنگ عیش انجمن غافل مباش
پاره‌هایی چند بر خون جگر دارد بهار

چشم تا واکرده‌ای رنگ از نظرها رفته است
از نسیم صبح دامن بر کمر دارد بهار

بی فنا نتوان گلی زین هستی موهوم چید
صفحه‌ ما گر زنی آتش شرر دارد بهار

از خزان آیینه دارد صبح تا گل می‌کند
جز شکستن نیست رنگ ما اگر دارد بهار

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

ابر می‌نالد کز اسباب نشاط این چمن
هرچه دارد در فشار چشم تر دارد بهار

از گل و سنبل به نظم و نثر سعدی قانعم
این معانی در گلستان بیشتر دارد بهار

مو به مویم حسرت زخمت تبسم می‌کند
هرکه گردد بسملت بر من نظر دارد بهار

زین چمن بیدل نه سروی جست و نه شمشاد رست
از خیال قامتش دودی به سر دارد بهار

بیدل دهلوی